

نقش پیشگیرانه غیر کیفری قوه قضاییه و ضابطین دادگستری برای حمایت از منابع طبیعی در

جهت جهش تولید

دکتر امیر احمدی* (نویسنده مسئول)¹، دکتر سید اسماعیل حسینی مقدم²

1. استادیار، عضو هیأت علمی دانشکده‌ی الهیات و علوم اسلامی، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور تهران، ایران

Amir.ahmadi@pnu.ac.ir

2. نماینده ولی فقیه در دفتر سازمان جهاد کشاورزی استان کرمانشاه

چکیده

با توجه به تخریب و تصرف غیرقانونی منابع طبیعی و ملی به عنوان ثروت و ذخایر کشور، پیشگیری غیر کیفری توسط قوه قضاییه و ضابطین دادگستری بسیار مهم است. با عنایت به منویات و شعار سال 1399 و فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری، حمایت غیر کیفری قوه قضاییه از منابع طبیعی کشور می‌تواند یکی از اولویت‌های مورد بررسی در جهت جهش تولید باشد. لذا پژوهش حاضر با هدف نقش پیشگیرانه غیر کیفری قوه قضاییه و ضابطین دادگستری برای حمایت از منابع طبیعی در جهت جهش تولید انجام گرفت. اهمیت پرداختن به این موضوع با توجه به سرعت تخریب و تهدید علیه منابع طبیعی در ایران یکی از اولویت‌های مورد بررسی در حوزه سیاست جنایی قضایی می‌تواند باشد. همچنین با توجه به بیان مقام معظم رهبری (مدظله) که بر پیشگیری در حوزه‌ی منابع طبیعی از جمله زمین‌خواری، تخریب جنگل‌ها و نظایر آن تأکید فرمودند می‌توان به ضرورت و اهمیت این موضوع پی‌برد. روش گردآوری اطلاعات به صورت مطالعه کتابخانه‌ای می‌باشد. با توجه به بررسی ناکارآمدی‌های غیر کیفری در حوزه سیاست جنایی قضایی در عرصه منابع طبیعی می‌توان نتیجه گرفت که باید برای جهش تولید در عرصه منابع طبیعی پیشگیری غیر کیفری اجتماعی، رشد مدار و وضعی و نظیر این‌ها توسط قوه قضاییه صورت گیرد و این امور در فرهنگ مردم با برنامه دقیق نهادینه شود.

واژه‌های کلیدی: جهش تولید، غیر کیفری، منابع طبیعی، پیشگیری

The non-criminal preventive role of the judiciary and judicial officers in protecting natural resources in order to boost production

Amir Ahmadi¹ · Seyed Ismail hosinimoqadam²

1. Assistant Professor, Department of law, Payame noor University, Iran, PO BOX 19395-3697, Tehran, IRAN

Corresponding Author : Amir.Ahmadi@pnu.ac.ir

2. Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Yadegar-e-Imam Khomeini (RAH) Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

Given the destruction and illegal seizure of natural and national resources as the country's wealth and reserves, non-criminal prevention by the judiciary and judicial officers is very important. Considering the menus and slogans of 1399 and the eight-article decree of the Supreme Leader, the non-criminal protection of the judiciary from the country's natural resources can be one of the priorities under consideration in order to boost production. Therefore, the present study was conducted with the aim of preventing the non-criminal preventive role of the judiciary and judicial officers in supporting natural resources in order to boost production. The importance of addressing this issue can be one of the priorities in the field of criminal justice policy, considering the speed of destruction and threats against natural resources in Iran. Also, according to the statement of the Supreme Leader (Modzaleh) who emphasized on prevention in the field of natural resources such as land grabbing, deforestation and the like, the necessity and importance of this issue can be realized. The method of collecting information is in the form of library study. Considering the non-criminal inefficiencies in the field of criminal justice

policy in the field of natural resources, it can be concluded that for the leap in production in the field of natural resources, social non-criminal prevention, growth and status and the like should be done by the judiciary.

Keywords: Production Mutation, Non-Criminal, Natural Resources, Prevention

مقدمه

۱. مقدمه و بیان مسأله

یکی از حوزه‌هایی که در آن بروز رفتارهای غیرقانونی، بزهکارانه و مجرمانه در آن به‌وفور دیده می‌شود، حوزه‌ی منابع طبیعی است، به‌طوری‌که مقام معظم رهبری (مدظله) در فرمانی هشت ماده‌ای به تشریح زوایای آن پرداخته‌اند.

در خصوص جرائم محیط‌زیست قوانین متکثر و متعدد و در برخی موارد متضاد و متعارض وجود دارد، همین امر جریان رسیدگی به جرائم فوق را مضمول گذشت زمان بسیار زیاد کرده‌است (اکبرآبادی، ۱۳۹۶: ۹۴). براین اساس نقش پیشگیرانه غیرکیفری قوه قضاییه، ضابطین دادگستری و مردم برای حمایت از منابع طبیعی در جهت جهش تولید با پیروی از سیاست جنایی قضایی و اجرایی در حوزه منابع طبیعی آشکار است. همچنین مشهود کردن خلاءها و نواقص و معایب و گاهی ایجاد رویه قضایی و راهکارهای حمایتی از سوی قوه قضاییه، خواه‌ناخواه می‌تواند سبب تحول و تغییر در حفاظت از منابع طبیعی برای جهت جهش تولید در این حوزه شود.

۲. سوابق و پیشینه پژوهش

در حوزه سیاست جنایی در جرایم منابع طبیعی پژوهش‌های صورت گرفته، اما در خصوص سیاست جنایی پیشگیرانه قضایی برای جهش تولید در حوزه منابع طبیعی پژوهشی مستقل صورت نگرفته‌است. از نوآوری‌ها و دستاوردهای این پژوهش این است که به بررسی پیشگیری قوه قضاییه و حمایت غیرکیفری در سیاست جنایی قضایی ایران در عرصه‌ی حمایت از منابع طبیعی پرداخته می‌شود.

در ذیل به برخی از پژوهش‌های نزدیک به این موضوع اشاره می‌شود:

- اکبرآبادی، بهزاد، (۱۳۹۶). ناکارآمدی سیاست جنایی ایران در برخورد با جرائم منابع طبیعی، تهران: انتشارات آوا.

- عباسی، روح‌الله، (۱۳۹۵). بررسی ناکارآمدی سیاست جنایی ایران در صیانت از اراضی ملی، مقاله اولین همایش بین‌المللی و مخاطرات طبیعی و بحران‌های زیست‌محیطی ایران، راهکارها و چالش‌ها.

۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

با توجه قطع درختان در جنگل‌ها، تخریب و تصرف منابع طبیعی و اراضی ملی و زمین‌خواری و همین‌طور خسارت به منابع طبیعی با عنایت به بیانات مقام معظم رهبری (مدظله) در پیشگیری و حمایت از جرایم حوزه منابع طبیعی، پیشگیری غیرکیفری، حمایت مردم و حمایت ضابطین دادگستری احساس می‌شود و به ضرورت و اهمیت پژوهش می‌افزاد.

۴. اهداف پژوهش

در این پژوهش با شناخت قوانین و مقررات و همچنین نقش و جایگاه حمایتی قضایی قوه قضاییه راه‌های پیشگیری غیرکیفری بیان می‌شود. هدف کلی این پژوهش شناخت جایگاه و نقش حمایتی قوه قضاییه و ضابطین و مردم در حمایت از منابع طبیعی یا ملی با استناد به غیرکیفری برای افزایش و جهش تولید می‌باشد.

۶. سؤال پژوهش

سیاست‌جنایی غیرکیفری قوه قضاییه و ضابطین دادگستری در حوزه‌ی حمایت از منابع طبیعی و ملی چگونه ارزیابی و تحلیل می‌شود؟

7. مفاهیم پژوهش

در این بحث ابتدا مفهوم منابع ملی و جهش تولید بیان گردیده و پس‌از آن به بررسی نقش پیشگیرانه مردم، ضابطین دادگستری و قوه قضاییه در جهت جهش تولید خواهیم پرداخت.

۱.۷. مفهوم منابع طبیعی یا ملی

در قوانین مصوب کشور به منابع ملی یا طبیعی اشاره شده است. لذا برای شناختن منابع ملی و یا طبیعی با رجوع به اصل 45 قانون اساسی دیده می‌شود که بیشه‌ها، مراتع و جنگل‌ها جز منابع ملی و انفال محسوب می‌گردند و در اختیار دولت و جز اموال عمومی هستند. در روایات معصومین (ع) مراتع و جنگل‌ها جز انفال می‌باشند (اسدی، 1419، ج 9: 188، مسئله 110؛ کلینی رازی، 1388، ج 1: 542)، اما امروزه منابع ملی یا طبیعی شامل تمام منابعی که به صورت طبیعی وجود دارد و دست انسان در ساختن و پیدایش آن نقش نداشته نیز می‌شود (شمس، 1394: 30).

در شناسایی منابع ملی یا طبیعی به موجب ماده 1 قانون ملی شدن جنگل‌ها مصوب 1341 و تصویب‌نامه‌ی آن و در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع با اصلاحات بعدی آن مصوب 1346 جنگل، کلیه عرصه جنگل‌ها و مراتع و بیشه‌های طبیعی و اراضی جنگلی و اراضی ملی شده کشور جزء اموال عمومی و منابع ملی محسوب می‌شوند. اموال عمومی نیز حسب تعریف اموالی هستند که برای استفاده مستقیم تمام مردم آماده‌اند، یا به حفظ مصالح عمومی اختصاص داده شده‌است (کاتوزیان، 1375: 65). همچنین در شناسایی منابع ملی در ماده 56 قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع با اصلاحات بعدی آن مصوب 1346 و در ماده 20 آیین‌نامه اجرایی قانون ملی شدن جنگل‌ها مصوب 1342، تشخیص منابع ملی یا طبیعی را بر عهده‌ی وزارت منابع طبیعی (وزارت جهاد سازندگی) که امروزه سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری نام دارد. سپس هیأت وزیران در جلسه مورخ 1371/12/16 بنا به پیشنهاد مورخ 1371/10/28 وزارت جهاد سازندگی و به استناد ماده 2 و 3 قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب 1371، آیین‌نامه اجرایی ماده 2 قانون یادشده را به شرح زیر تصویب نمودند و در ماده 1 این آیین‌نامه اجرایی آمده‌است که تشخیص منابع ملی شده و مستثنیات ماده 2 قانون ملی شدن جنگل‌ها بر اساس تعریف تصریح شده در فصل اول قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع به عهده وزارت جهاد سازندگی است که از طریق سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور اقدام می‌نماید. لازم به ذکر است، هیأت عمومی دیوان عالی کشور در جهت حمایت قضایی و با توجه به وظیفه‌ی ذاتی خود در رأی وحدت رویه‌ی (681) عدم صدور سند مالکیت به نام دولت جمهوری اسلامی ایران را نافی مالکیت دولت نسبت به منابع طبیعی یا ملی شده نخواهد بود (باختر، 1387: 100؛ عباسی، 1395: 6).

باتوجه به صراحت قوانین یادشده، رأی وحدت رویه و همچنین تصویب‌نامه هیأت وزیران که به آن اشاره شد می‌توان گفت که منظور از منابع ملی، جنگل‌ها و مراتع و بیشه‌های طبیعی و اراضی جنگلی که به صورت عام و جزء اموال عمومی و در تصرف حکومت اسلامی می‌باشد و از سرمایه‌ها و منابع ملی و طبیعی محسوب می‌گردند.

از جمله قوانینی که به اراضی ملی شده پرداخته‌است آیین‌نامه اجرایی اصلاح لایحه قانونی واگذاری و احیاء اراضی در جمهوری اسلامی ایران مصوب 1359/2/31 شورای انقلاب است. در ماده 1 آیین‌نامه فوق در مقام تعریف انواع اراضی زیر عنوان «اراضی منابع طبیعی» که برای اولین بار در این قانون دیده شده‌است به بیان تعاریف جنگل‌ها یا بیشه طبیعی، مراتع، نهالستان‌ها و اراضی جنگلی می‌پردازد (شمس، 1394: 30). همچنین در ماده 56 قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب

¹. رأی وحدت رویه شماره 681، تاریخ 1384/8/22، هیأت عمومی دیوان عالی کشور، در خصوص ماده یکم قانون ملی شدن جنگل‌ها کشور مصوب 1341، منتشر شده در روزنامه رسمی کشور، یکشنبه 22 آبان 1384، ویژه‌نامه شماره 17687، سال صفر. و همچنین منتشر شده در روز پنج آذر 1384، سال صفر، ویژه‌نامه شماره 17702.

1346 و ماده 4 آیین‌نامه اجرایی قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب 1371/12/16 از عبارت منابع ملی استفاده شده است.

با توجه به صراحت قوانین در شناسایی منابع ملی یا طبیعی در اینجا می‌توان گفت منظور از منابع ملی یا طبیعی، جنگل‌ها، مراتع، رودها، بیشه‌زارها، کوه‌ها و نظایر آن‌ها می‌باشد که در فوق به آن‌ها اشاره شد.

۲.۷. مصادیق منابع طبیعی

با رجوع به تصویب‌نامه هیأت وزیران راجع به جنگل‌ها مصوب 1303، لایحه قانونی جنگل‌ها و مراتع کشور مصوب 1338، ماده 1 قانون ملی شدن جنگل‌ها مصوب 1341، قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع با اصلاحات بعدی آن مصوب 1346، قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب 1371، قانون توزیع عادلانه آب مصوب 1361 و طبق قانون اراضی ساحلی مصوب 1346 و سایر قوانین موضوعه و مصوبات هیأت وزیران می‌توان به مصادیق منابع ملی یا طبیعی آگاهی یافت. بنابراین همان‌گونه که ملاحظه می‌شود مصادیق منابع طبیعی را صرفاً با دقت در سیر قانون‌گذاری می‌توان تعیین و احصاء نمود و قانون‌گذار آن را در یک قانون احصاء نموده است.

به موجب قوانین مصوب از جمله قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع با اصلاحات بعدی آن مصوب 1346 و سایر قوانین اشاره شده می‌توان مصادیقی از منابع ملی یا طبیعی را مانند **جنگل‌ها و اراضی جنگلی^۲، مرتع یا بیشه‌ی طبیعی مشجر و غیر مشجر^۳، سواحل دریایی، بستر رودها و نظایر این‌ها** را نام برد. اخیراً نیز به موجب مصوبه مورخه 1391/01/14 مجلس شورای اسلامی (لایحه جامع منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، مواد ۲ و ۳) منابع طبیعی عبارت است از همه عرصه و اعیان جنگل‌ها، مراتع، اراضی جنگلی، بیشه‌های طبیعی، چمن‌زارها، بوته‌زارها، نیزارها، مرداب‌ها، تالاب‌ها، اراضی مستحدث، اراضی ساحلی، اراضی خالصه، اراضی موات، اراضی دولتی، اراضی بیابانی و کوهستانی، شنزارها، کویرها، منابع خاک، بستر دریاها، دریاچه‌ها، خلیج‌ها، جزایر، آبراهه‌ها، جنگل‌های دست‌کاشت، پارک‌های جنگلی، پارک‌های آبخیز، نهالستان‌ها و ایستگاه‌های تولید بذر و نهال، ذخایر ژنتیکی عمومی، زیست‌بوم‌های طبیعی و اجزای آن، جنگل‌ها و مراتعی که در اجرای وظایف سازمان برای احیا، اصلاح و تبدیل منابع ایجاد می‌شود و سایر منابع مشابه که توسط وزارت جهاد کشاورزی و سازمان‌ها و واحدهای تابعه ایجاد شده یا می‌شود (علی بیگی، 1397: 78). بنابراین همان‌طور که گفتیم مصادیق را با رجوع به قوانین مدونه‌ی کشور می‌توان مشخص کرد، هر چند تعیین مصادیق بحث اصلی پژوهش نیست.

۳.۷. جهش تولید

هر سال رهبر معظم انقلاب، با توجه به شرایط کلی حاکم بر کشور نامی را برای برنامه ریزی‌های مسئولان و مردم انتخاب می‌نماید. رهبر انقلاب در پیامی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۹ هجری شمسی، ضمن تبریک سال نو و ضمن تأکید بر ضرورت توجه مردم و مسئولان بر مسئله تولید، سال جدید را با نام سال جهش تولید نامگذاری کردند.

8. جهش تولید و پیشگیرانه غیرکیفری قوه قضاییه و ضابطین قضایی در حمایت از منابع طبیعی

1.8. تکالیف قوه قضاییه در پیشگیری اجتماعی مدار در حمایت از منابع طبیعی

برخی معتقدند که قوه قضاییه دارای ماهیتی قهرآمیز دانسته و در زمینه‌ی پیشگیری چندان مؤثر نمی‌باشد، در مقابل برخی معتقدند که قوه قضاییه می‌تواند پیشگیری از جرم را عهده‌دار باشد، زیرا با وقوع جرم حاکم شرع وظیفه‌ی مداخله دارد و بدون

². جنگل: زمین وسیعی است که از درخت‌های انبوه و بسیار پوشیده باشد، در جنگل معمولاً درختان کوچک و بزرگ و تنومند به‌طور نامنظم و همچنین علف‌های خودرو فراوانند (معین، 1372، ص 1246؛ عمید، 1356، ص 383، دهخدا، 1377، واژه جنگل). Jangala

³. مرتع: به معنای چراگاه است (معین، 1372، ص 1246، دهخدا، 1377، واژه مرتع). Marta

متوسل شدن به قوه مجریه و نیروی انتظامی و سایر نهادها می‌تواند پیشگیری از جرم نماید (نیازپور، 1391، ص 200). اما باید اذغان داشت، قوه قضاییه به‌عنوان قوه‌ای مستقل و پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی بر اساس بند 5 اصل 156 قانون اساسی، عهده‌دار اقدامات مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین می‌باشد. لذا، می‌توان گفت که این بند ماهیت فرهنگی و اطلاع عمومی توجه شده‌است و پیشگیری از وقوع جرم در حوزه منابع طبیعی نیز جزء وظایف ذاتی این قوه است. همچنین نباید دچار این شبهه و اشتباه شد که بند 5 ماهیت و مبنای حقوقی و قضایی دارد و باید به موضوع و وجه میان‌رشته‌ای بودن آن در تمام علوم به‌خصوص در بُعد فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناسی آن توجه کرد و آن را وسعت داد. افزون بر این، پیشگیری از جرم به‌خصوص در حوزه منابع طبیعی وظیفه هر ایرانی است، و هر شخصی می‌تواند به‌عنوان شهروند جرائم تخریب و تصرف اراضی ملی و منابع طبیعی را به محاکم قضایی برای پیشگیری از جرم گزارش نماید.

چنانچه در تبصره‌ی ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه کلیه دستگاه‌ها را ضابط قوه قضاییه می‌داند و مکلف شده‌اند که در صورت درخواست قوه قضاییه زیر نظر این قوه آموزش‌های تخصصی را فراگیرند و نیز در بند «د» ماده ۲۱۱ برای اصلاح رفتار قضایی و حقوقی مردم ترویج فرهنگ قانون‌مداری و پیشگیری از جرم به‌عنوان راهکار ارائه شده‌است. افزون بر این موارد، آموزش همگانی بر طبق برنامه مصوب قوه قضاییه از طریق صداوسیما و آموزش همگانی حقوق شهروندی در زمینه‌ی محیط‌زیست از جمله منابع طبیعی از طریق صداوسیما و پیش‌بینی مواد آموزشی درسی لازم برای آموزش‌های مذکور در دوره‌های راهنمایی تحصیلی و متوسطه از وظایف و اقدامات هست که این قوه باید انجام دهد. لذا بر اساس تبصره ماده ۲۱۱ قانون فوق سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران مکلف می‌باشد برای فرهنگ‌سازی همگانی از طریق رسانه در خصوص آسیب‌ها و موارد پیشگیری از جرم در حمایت از عرصه‌ی منابع طبیعی با همکاری قوه قضاییه و دستگاه‌های ذی‌ربط مانند سازمان منابع طبیعی و سازمان محیط‌زیست، اطلاع‌رسانی کافی و لازم را بنماید. مثلاً با تهیه برنامه‌های آموزشی علمی و جذاب و با پخش در زمان مناسب، مضرات و معایب چرای بی‌رویه دام در مراتع و قطع بی‌رویه درختان را گوش‌زد و اطلاع‌رسانی کرد.

شایان‌ذکر است که بر اساس بند «ه» ماده 211 قانون برنامه پنجم کشور، نیروی انتظامی، سازمان بسیج مستضعفین، نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی نظیر جمعیت هلال‌احمر و شهرداری‌ها در چهارچوب وظایف محوله‌ی خود همکاری لازم را باید در اجرای برنامه‌های پیشگیری از وقوع جرم، با قوه قضاییه به عمل آورند. لازم به ذکر است که در بند «د» ماده 33 قانون برنامه ششم توسعه کشور تولید و پخش برنامه‌های آموزشی، ترویجی منطبق با بهره‌وری و انتقال یافته‌های علمی به بهره‌برداران، برای حمایت از محیط‌زیست و منابع طبیعی کشور با تأمین مالی وزارت جهاد کشاورزی توسط سازمان صداوسیما از وظایف دولت می‌باشد.

دادستان در جامعه به‌عنوان مدعی‌العموم می‌تواند در کاهش جرائم منابع طبیعی با برنامه‌ریزی و تدابیر قضایی در کاهش و پیشگیری از جرائم نقش بسزای داشته باشد. همچنین دادستان با توجه به نقش قانونی خود در پیشگیری از جرم در، ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی، شورای عالی پیشگیری از جرم، ستاد پیشگیری و مبارزه با جرائم خاص و نیز شورای حفظ حقوق بیت‌المال در امور اراضی عضویت دارد و در حمایت از منابع ملی می‌تواند نقش پیشگیرانه‌ای با توجه به وظایف قانونی خود ایفا نماید (گلدوست جویباری، 1388، ص 211-217). لذا با تربیت و آموزش ضابطین و نیز ترویج فرهنگ حمایت از منابع طبیعی در کارگروه‌ها و جامعه می‌تواند از جرائم حوزه منابع طبیعی تا حدود زیادی بکاهد.

افزون بر موارد فوق، محققان به واگذاری بازپروری بزه‌کارن به قوه قضاییه اشاره دارد و معتقدند که اصلاح، بازپروری و درمان و بازگشت او به جامعه در آموزه‌های حقوق بشری و جرم‌شناسی ریشه دارد و طبق قانون اساسی از وظایف دستگاه قضا می‌باشد (نیازی پور، 1391، ص 210)، با توجه به این توضیح در حوزه حمایت قضایی از منابع طبیعی محاکم می‌توانند محکومین جرائم حوزه منابع طبیعی را آموزش دهند و آن‌ها را در جهت خدمات عمومی رایگان مانند کشت نهال و آبیاری آن‌ها سوق دهند و در جهت آن در رسانه‌های جمعی تبلیغ مناسب و آموزنده نمایند تا تأثیر آن بر جامعه افزون شود.

2.8. تکالیف قوه قضاییه در پیشگیری وضعی موقعیت‌مدار

در کنار پیشگیری کیفری یا واکنشی، اقداماتی نیز از لحاظ پیشگیری کنشی یا غیرکیفری در تقابل با پدیده زمین خواری و تصرف و تخریب منابع طبیعی باید صورت پذیرد. مهم‌ترین اقدام پیشگیرانه در این زمینه اجرای کامل طرح کاداستر و سامانه جامع ثبتی است. قانون اجرای طرح مذکور اخیراً تصویب و ابلاغ گردیده است و اداره ثبت و دولت باید اهتمام جدی در زمینه اجرای آن داشته باشد. از موارد دیگر می‌توان به اصلاح شیوه محافظت از اراضی ملی اشاره نمود که طی آن سازمان‌های متولی امور اراضی ملی و دولتی، با تعیین حدود و علامت‌گذاری اراضی ملی و نظارت بیشتر جهت جلوگیری از تصرف‌های غیرقانونی و ساخت‌وسازهای غیرمجاز می‌توانند نقش به‌سزایی در پیشگیری از این پدیده داشته باشند (میرمحمد صادقی و رجبعلی، ۱۳۹۶، ص ۷۴).

در برخی مناطق مرز میان اراضی ملی و مستثنیات قانونی با ترسیم نقشه مشخص می‌گردد ولی عملاً در برخی از اراضی ملی مرز میان اشخاص و منابع طبیعی که متعلق به دولت است مشخص نیست و مورد تهدید خطر تجاوز و تصرف افراد می‌باشد. بر همین اساس وفق قسمت دوم تبصره ماده ۲۱۱ قانون برنامه توسعه پنجم کشور، قوه قضاییه با تدابیری وضعی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور را به‌عنوان زیرمجموعه‌ی خود مکلف کرده‌است که برای کاهش جرائم ثبتی و کاهش رجوع پرونده‌های مرتبط با اسناد در محاکم قضایی، اسناد مالکیت قدیمی را تعویض نماید. لذا اسناد مالکیت دولت مربوط به اراضی ملی و منابع طبیعی را نیز می‌تواند در برگیرد. همچنین براساس تبصره بند «ح» ماده ۲۱۱ وزارت جهاد کشاورزی، مسکن و شهرسازی و سازمان اوقاف و امور خیریه مکلف به همکاری برای تهیه نقشه‌ی املاک خود براساس استاندارد حدنگاری (کاداستر) می‌باشند. به‌علاوه، این اعمال خود از وظایف قوه قضاییه شمرده می‌شود، که از طریق سازمان ثبت اسناد و املاک، شناسایی اراضی ملی و منابع طبیعی قابل پیگیری است که می‌تواند به‌عنوان پیشگیری وضعی موقعیت مدار تا حد قابل چشم‌گیری از جرائم تصرف و تخریب عرصه منابع طبیعی بکاهد. از این رو سنتی بودن شیوه ثبت اسناد و املاک، در حوزه منابع طبیعی خود از عوامل جرم‌زا در زمینه‌ی زمین خواری و تصرف منابع طبیعی می‌باشد.

باید افزود که در قسمت ۲ بند «ک» ماده ۲۱۱ «استفاده از فناوری اطلاعات برای تعیین وقت رسیدگی به پرونده‌ها با اعمال وقت فوری و خارج از نوبت به‌طور خودکار» به قوه قضاییه محول شده‌است. لذا، با توجه به اینکه پرونده‌های جرائم عرصه منابع طبیعی بسیار حساس می‌باشد و رسیدگی خارج از نوبت در شعب ویژه دادگستری در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) و نیز سایر قوانین مربوطه که قبلاً به آن‌ها اشاره شد، پیش‌بینی شده و امید است با پیشرفت مداوم، استفاده از فناوری اطلاعات برای تعیین وقت رسیدگی به پرونده‌های جرائم عرصه‌ی منابع طبیعی به‌صورت خارج از نوبت و در شعب ویژه و تخصصی با سرعت عمل بالا انجام پذیرد. این امر باعث می‌شود که برای حمایت از منابع طبیعی و ملی زمین‌های سایر جرائم در این حوزه کاسته شود و قوه قضاییه به وظیفه‌ی خود به نحوه احسن عمل نماید. به این ترتیب، با توجه به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه در جهت اجرای و عملیاتی شدن کاهش و پیشگیری از جرائم توسط دستگاه قضایی مورد انتظار است.

افزون بر موارد فوق ایجاد سامانه جامع آماری در حمایت از منابع ملی و طبیعی با به‌روز کردن نقشه‌ها و عکس‌های هوایی لازم به نظر می‌رسد تا در صورت نیاز محاکم قضایی به آن‌ها رجوع نمایند و عدالت را با سیاست جنایی قضایی مناسب اعمال نمایند.

3.8. کنترل و مراقبت و نظارت از منابع طبیعی توسط دادستان و ضابطین دادگستری

حفاظت فیزیکی نامناسب توسط ضابطین یا یگان حفاظت از منابع طبیعی نسبت به اراضی ملی به دلیل گستردگی و وسعت آن یکی دیگر از چالش‌های عرصه‌ی حمایت از منابع طبیعی می‌باشد. از این رو نمی‌توان از همه منابع طبیعی با حضور فیزیکی با این وسعت جغرافیایی حفاظت و حمایت نمود، لذا قوه قضاییه و سازمان منابع طبیعی با برنامه‌ای مدون و تخصیص بودجه برای پیشگیری از جرم در این حوزه بسته به حساسیت منطقه، بعضی از اراضی که مستعد تصرف، تخریب و تجاوز هستند را مراقبت، کنترل و حفاظت نماید.

دادستان هر شهر وظیفه تعقیب و رسیدگی به جرائم علیه اموال، اراضی و املاک عمومی و دولتی را برعهده دارد. بنابراین، جهت جلوگیری از وقوع چنین جرائمی دادستان می‌توان راهکارهای مناسب و ضروری را پیشنهاد نموده و به مرحله‌ی اجرا گذارد. شکی نیست که مراقبت از جنگل‌ها، مراتع، و حفظ محیط‌زیست از وظایف ارگان‌های ذی‌ربط می‌باشد، لیکن دادستان در جهت

پیشگیری از جرائم علیه جنگل‌ها و مراتع و محیط‌زیست می‌تواند راه‌حل‌های وضعی و عملیاتی پیشنهاد کند و آن‌ها را به مرحله‌ی اجرا درآورد. به‌عنوان مثال دادستان می‌تواند پیشنهاد کند جهت حفظ جنگل‌ها و مراتع کشور همانند گذشته گارد ویژه تشکیل گردد. بدیهی است نیروی انتظامی با توجه به گستردگی وظایفش می‌تواند به‌خوبی از عهده‌ی این کار برآید و توان و نیروی کافی را برای انجام این وظیفه ندارد. بنابراین، جهت پیشگیری از ارتکاب جرائم علیه جنگل‌ها و مراتع کشور نیاز به نیروی ثابت و کارآمد می‌باشد که البته قانونگذار باید با تصویب قانون در مسیر تحقق آن گام بردارد و تا آن زمان دادستان می‌تواند از سایر ضابطین مانند بسیج و نیروی انتظامی در نقاطی از کشور که احتمال وقوع این دسته از جرائم بیشتر است مأموریت دهد تا از ارتکاب آن‌ها پیشگیری کنند (گلدوست جویباری، ۱۳۹۳، ص ۲۱۹-۲۲۰).

شایان‌ذکر است که در این راستا قانونگذار در قسمت ۲ بند «ج» ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه کشور در «تدوین طرح تخصصی کردن ضابطین قوه قضاییه در راستای آموزش و توانمندسازی و آموزش تخصصی آن‌ها» مکلف شده‌است. بنابراین با گسترش جمعیت یگان حفاظت و آموزش‌های تخصصی و علمی آن‌ها دستگاه قضا می‌تواند در جهت مهار و کنترل بزه در حمایت از منابع طبیعی برآید. به‌این‌ترتیب، قوه قضاییه مکلف به تربیت نیروی ضابطین دادگستری متخصص شده‌است تا در راستای حمایت و حفاظت از منابع طبیعی و اراضی ملی گام بردارند و دوشادوش دستگاه قضا انجام‌وظیفه نمایند تا زمینه‌ی اجرای درست سیاست‌های جنایی قضایی مهیا شود. از این‌رو به‌موجب بند «ب» ماده ۳ قانون اصلاح تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ریاست و نظارت و حتی تعلیم ضابطین دادگستری از حیث وظایف محوله با دادستان می‌باشد. همچنین برای حفاظت از منابع طبیعی در ماده ۲۲ قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع، در صورت لزوم و نیاز سازمانی به نام گارد مسلح جنگل در سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری از افسران و درجه‌داران و افراد ارتش تشکیل می‌شود که این مهم به نظر امروز به سایر نیروهای نظامی از جمله سپاه پاسداران قابل‌تعمیم می‌باشد.

در خصوص نظارت بر منابع طبیعی در قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع کشور در ماده ۴۵ درصدد پیشگیری وضعی برآمده است و اشعار می‌دارد که آتش‌زدن نباتات در مزارع و باغ‌ها داخل یا مجاور جنگل‌ها بدون اجازه و نظارت مأموران جنگلبانی (یگان حفاظت) ممنوع است و اگر حریق در اثر بی‌مبالاتی باشد مستوجب حبس خواهد بود. از این‌رو مأمورین یگان حفاظت از منابع طبیعی با نظارت خود می‌توانند نقش پیشگیرانه‌ای در بروز بزه در این خصوص را ایفا نمایند.

شایان‌ذکر است که یکی از معاونت‌های تخصصی در پلیس آگاهی نیروی انتظامی، معاونت مبارزه با جرائم اقتصادی است که وظیفه کشف جرائم اقتصادی از جمله زمین‌خواری در قالب کلاهبرداری و جعل و غیره را دارد (مقیمی و بایاری، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵)، این پلیس می‌تواند با همکاری اداره منابع طبیعی جرائم حوزه زمین‌خواری در عرصه منابع طبیعی را رصد نماید و گزارش کار را به مقام قضایی ارائه نماید تا مقام قضایی با اعمال سیاست جنایی قضایی صحیح و مناسب و صدور دستور قضایی توسط این پلیس در راستای جلوگیری از جرم اقدام نماید.

برخی محققان به آمارها و اطلاعات پرونده‌های تشکیل‌شده در حوزه‌ی زمین‌خواری در نیروی انتظامی اشاره می‌کنند و عواملی را بسترساز وقوع این جرم می‌دانند، از جمله این عوامل ۱. موجود نبودن سیستم یکپارچه و جامع اطلاعات ثبت‌اسناد و املاک در کشور ۲. قابل‌توجه بودن منافع حاصل از ارتکاب جرم مذکور ۳. ضعف عملکرد دستگاه‌های نظارتی و عدم سرعت و قاطعیت در برخورد با متخلفان و مجرمان (همان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۶)، همچنین موانعی را برای مبارزه با زمین‌خواری در منابع طبیعی بیان می‌دارند که می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. عدم وجود تعامل لازم بین دستگاه‌های متولی زمین و مبارزه با زمین‌خواری ۲. عدم وجود نقشه جامع از زمین‌های کشور ۳. عدم وجود بانک اطلاعاتی یکپارچه و مرتبط با زمین ۴. وجود قوانین متعدد و گاه معارض با یکدیگر و عدم بازدارندگی مجازات‌های تعیین‌شده فعلی ۵. پیشبرد طرح کاداستر و نهایی کردن آن ۵. عدم وجود سازمان مشخص و متولی مبارزه با زمین‌خواری ۶. عدم صدور سند قطعی املاک دولتی (مقیمی و بایاری، ۱۳۸۹، ص ۱۲۱).

با توجه به مطالعه و بررسی عوامل بسترساز جرم و بررسی موانع و چالش‌های زمین‌خواری می‌توان گفت که با حذف هر یک از این عوامل و موانع و تصحیح آن می‌توان از وقوع جرم در عرصه‌ی منابع ملی و طبیعی جلوگیری وضعی نمود و این امر برای اعمال سیاست جنایی قضایی مناسب و کارآمد جز با همکاری سازمان منابع طبیعی، ضابطین و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط با قوه قضاییه میسر نخواهد بود.

آنچه مسلم است، اعمال هریک از روش‌ها به تنهایی نمی‌تواند موجب پیشگیری قطعی بزهکاری شود. هرچند ممکن است به‌طور مقطعی یا موضعی مؤثر باشد. بنابراین مهم‌ترین سازوکار در مقوله‌ی پیشگیری از وقوع جرم، استفاده‌ی تلفیقی از انواع روش‌های پیشگیری خواهد بود (نجفی‌توانا، ۱۳۹۴، ص ۶۶). شاید این مدل‌های پیشگیری به‌طور مطلق جرائم حوزه منابع طبیعی را کاهش ندهد اما با اجرای صحیح و کارآمد تا حدی زیادی می‌توانند از بروز جرائم و تخریب و تصرف منابع طبیعی و قطع و آتش زدن بی‌رویه درختان بکاهد بحث در این خصوص نیازمند یک پژوهش جداگانه است.

9. نقش سازمان‌های مردم‌نهاد بر اعمال سیاست جنایی قضایی در حمایت از منابع طبیعی

برخی معتقدند سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد(سمن)^۴ از دو طریق می‌تواند به‌نظام عدالت کیفری در جهت رسیدن به اهدافشان کمک کند. از یک‌سو، با اعلام گزارش جرائم به کشف و تعقیب جرائم و از طرفی با نقش‌آفرینی در فرآیند کیفری به مجرمان و بزه‌دیدگان کمک می‌نماید (کوشکی، 1388، ص 102).

در این بین سازمان‌های غیردولتی با همکاری نهادها و مراکز آموزشی مانند مدرسه و دانشگاه‌ها و با همکاری قوه قضاییه و در کنار آن معاونت پیشگیری از جرم با حساس کردن موضوع منابع طبیعی در افکار عمومی و تبلیغات و اطلاع‌رسانی، نقش بسزای در حمایت از منابع طبیعی و اراضی ملی می‌تواند ایفا نماید. همچنین با توجه به اصل هشتم قانون اساسی، دعوت به امر خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ی همگانی است، لذا به‌عنوان نمونه می‌تواند به کاهش جمعیت درختان و مضرات تخریب مراتع و جنگل‌ها هشدار دهند تا در جهت تنویر افکار عمومی و جامعه برآیند. به این ترتیب، در این خصوص می‌توان توسط نهادهای دولتی و غیردولتی با کمک معاونت پیشگیری از جرم قوه قضاییه و نیروی‌های ضابط درباره‌ی پیشگیری از جرائم منابع طبیعی هم‌اندیشی و همایش برگزار کرد. همچنین این معاونت می‌تواند با ترویج فرهنگ سیانت و حمایت از منابع طبیعی از طریق نهادهای مردم‌نهاد و به اشتراک گذاشتن دانش و اطلاعات فنی و علمی و مشارکت در اطلاع‌رسانی نماید و حمایت و حفاظت از منابع طبیعی را وظیفه همگانی اعلام کند. هراندازه بستر فرهنگی و اجتماعی پیشگیری از تصرف و تخریب منابع طبیعی و اراضی ملی توسط این نهادها مهیا باشد، سیاست جنایی قضایی و عدالت کیفری با شتاب و سرعت کیفی به اهداف خود می‌رسد.

بدین ترتیب به‌منظور حمایت و حفاظت از منابع طبیعی برای آیندگان، نیازمند ایجاد نهادهای مردمی جهت کامل کردن سیاست‌های قضایی می‌باشیم. جدیدترین حمایت و توجه ویژه قانونگذار، در عرصه‌ی منابع طبیعی و زیست‌محیطی در ماده 66 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 نمایان است. این ماده متأثر از یافته‌های جرم‌شناسی و سیاست جنایی قضایی و مشارکتی بر محور جامعه مداری و مداخله مردم در برابر جرائم منابع طبیعی و اراضی ملی می‌باشد. بر این اساس ماده 66 قانون مارالذکر به حمایت از سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه‌ی آن‌ها در حوزه حمایت و حفاظت از منابع طبیعی و محیط‌زیست است، می‌پردازد. این ماده اشعار می‌دارد، کسانی که عضو این سازمان‌های مردم‌نهاد هستند می‌توانند در جهت سرعت بخشی به سیاست جنایی قضایی محاکم، در صورت ارتکاب جرم در زمینه‌ی منابع طبیعی می‌توانند اعلام جرم نمایند و در تمام مراحل دادرسی نیز شرکت کنند و محاکمات موضوع ماده فوق‌الذکر علنی می‌باشد. لذا قوه قضاییه باید به بررسی و پیگیری گزارش‌های مردمی در جرائم منابع طبیعی به‌منظور تحقق عملی به منویات مقام معظم رهبری در استناد به اصل 45 قانون اساسی برای سیانت و حمایت از اراضی ملی کشور، بپردازد.

باید افزود، احراز صلاحیت این سازمان‌ها وفق تبصره 3 ماده 66 قانون فوق‌الذکر باید به تأیید مراجع صالح برسد به این ترتیب که اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه‌ی حمایت از منابع طبیعی در سه‌ماهه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری و همکاری وزیر کشور تهیه و در نهایت به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد. مضافاً بر اساس آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی مصوب 29 خرداد 1384 هیأت وزیران، به سازمان‌های غیردولتی اجازه فعالیت در موضوع مناسب را داده‌است و جهت دادخواهی براساس اصل 50 قانون اساسی و ماده 16 این آیین‌نامه در مراجع قضایی و شبه‌قضایی می‌توانند در جهت حفظ منافع عمومی اقدام نمایند.

4. NGO

در خصوص این موضوع برخی معتقدند که وجود برخی نواقص و ابهامات در قوانین فعلی و برخی خلاءهای قانونی سبب گردیده حمایت‌های قانونگذار از اراضی ملی فاقد آثار پیشگیرانه و حتی در مواردی مشوق افراد در تصرف غیرقانونی اراضی ملی نیز باشد (عباسی، 1395، ص 6). از سوی دیگر سیاست جنایی ایران در مورد منابع طبیعی در جلب مشارکت مردمی و جامعه‌ی مدنی با نوعی ناتوانی، ابهام، خلاء و شکاف جدی روبرو گردیده و در نتیجه زمینه‌ساز ظهور بحرانی گسترده در عرصه محیط‌زیست و منابع طبیعی شده است. در نتیجه می‌توان گفت که سیاست جنایی ایران در خصوص جرائم منابع طبیعی دچار نوعی تعارض و تضاد شده است. تعارضی که منجر به اختلال و ناکارآمدی سیاست جنایی شده و تحرک و پویایی آن را متوقف و دچار تزلزل و رکود نموده است؛ تا آنجا که شاهد بروز پدیده بحران منابع طبیعی هستیم. تعدد و کثرت قوانین و ضعف تخصص و تخصص‌گرایی در قانونگذاری دو مورد از جلوه‌های مهم این تعارض در سیاست جنایی محسوب می‌شوند (اکبرآبادی، 1396، ص 101). به نظر می‌رسد این مهم نیازمند بازنگری کلی در قوانین موضوعه داشته باشد و قوانین پیشگیرانه‌ای وضع شود تا مانع اقدامات بزهکارانه در این حوزه شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یکی از مباحث چالشی در حوزه سیاست جنایی قضایی، حمایت و حفاظت قضایی از منابع طبیعی است. حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ملی مستلزم همکاری مردم با سازمان‌ها و قوه قضاییه می‌باشد. لذا برای اعمال سیاست جنایی کارآمد از سوی محاکم قضایی و غیرقضایی حمایت نهادهای پیشگیرانه از جرائم و حمایت قانونگذار با تصویب قوانین کارآمد و بازدارنده لازم است.

در اجرای فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری مبنی بر لزوم مبارزه با مفساد اقتصادی، کمیسیون اصل نودم قانون اساسی با تشکیل کارگروه مبارزه با مفساد اقتصادی، اقدام به جمع‌آوری و طبقه‌بندی پرونده‌های مهم مشمول فرمان مقام معظم رهبری به منظور برخورد قاطع با مفساد اقتصادی نمود. اما این فرمان هشت ماده‌ای از سوی مسئولان به صورت جدی مورد اهتمام قرار نگرفته است.

در جمهوری اسلامی ایران براساس اصل 50 قانون اساسی حفاظت از محیط‌زیست از جمله منابع طبیعی وظیفه‌ای عمومی و همگانی است و فعالیت ضد منابع طبیعی ممنوع می‌باشد، با توجه به این اصل باید مقدمه مشارکت فعالانه جامعه در جهت فرهنگ‌سازی حفظ و حمایت از منابع طبیعی آموزش داده شود. باید افزود، در زمینه بزه‌کاری در منابع طبیعی قوه قضاییه با سیاست قضایی خود باید درصدد ایجاد یک فرهنگ‌سازی مناسب در جامعه برآید، مثلاً در جاهای که قطع بی‌رویه درختان شکل می‌گیرد از طریق فرهنگ آموزش به جامعه که این کار در آموزه‌های دینی و قانون نهی شده است و با کمک رسانه‌های جمعی این امر نهادینه شود. در برخی از مناطق قطع درختان یا تصرف اراضی ناشی از ناهنجاری اجتماعی و فرهنگی نمی‌باشد و ریشه‌ی آن فقر و کمبود امکانات است از این رو قوه قضاییه با کمک سایر نهادهای ذی‌ربط می‌تواند به تدریج درصدد رفع این مهم برآید به‌عنوان نمونه برای جلوگیری از قطع درخت به آن مناطق گزکشی شود. همچنین تبلیغ بر ارزش منابع طبیعی برای مردم نیز می‌تواند از ایجاد جرم پیشگیری نماید. از این رو تضعیف عوامل اجتماعی بسترساز بزه در عرصه منابع طبیعی می‌تواند از ارتکاب جرم بکاهد.

تخریب و تصرف منابع طبیعی دارای ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی بسیار نابسامانی می‌باشند که تدوین قوانین پیشگیرانه و مدونی در سطح ملی را می‌طلبد. لذا حذف این باور غلط با پیشگیری سیاستی قوه قضاییه در اجتماعی و جامعه هدف مانند روستاها با آموزش قوانین در حوزه منابع ملی و طبیعی امکان‌پذیر است در این صورت حجم وردی پرونده‌های این دعاوی تا حدی چشم‌گیری کاهش خواهد یافت.

به این ترتیب، با توجه به مدل پیشگیری فرد مدار از ابتدای کودکی نحوه‌ی برخورد با منابع طبیعی و محیط‌زیست توسط مدارس، مساجد و نهادهای متولی مانند صداوسیما، قوه قضاییه و خانواده و نظایر این‌ها به کودک آموزش داده می‌شود و احتمال انگیزه‌ی

بزه و جرم در وی کاهش می‌یابد. بنابراین هر یک از این نهادها می‌توانند با آموزش‌های لازم در عرصه‌ی حمایت از منابع طبیعی مانند عدم قطع درختان و کشت نهال و مانند این موارد خود گام‌های مؤثری برای پیشگیری از آسیب‌ها در این حوزه بردارند. در عرصه منابع طبیعی در مناطق حساس با دستور قضایی حصارکشی دور محوطه‌ی حفاظت‌شده انجام شود یا با دستور دادستان، افزایش نیروی یگان حفاظت از عرصه‌های طبیعی حمایت جدی‌تر شود تا از تخریب و تصرف اراضی ملی و قطع درختان و چرای در مراتع جلوگیری نمایند. به‌عنوان نمونه مطرح شد، اما چنین شرایطی می‌تواند معادلات مجرم را به‌هم‌ریخته و اجرای تخریب و تصرف در منابع طبیعی را مشکل‌تر و پرهزینه‌تر کند، لذا اقدامات پیشگیرانه وضعی موجب انصراف مجرمان از روی آوردن به جرم و انقطاع مراحل جرم در منابع طبیعی می‌گردد. باید افزود، قوه قضاییه در راستای وظایف پیشگیرانه‌ی خود با سایر دستگاه‌های متولی امر حمایت و حفاظت از منابع طبیعی می‌تواند با راهکارهای علمی و تخصصی درصدد پیشگیری وضعی با افزایش خطر، حذف بهانه‌ها، کاهش تحریک، کاهش منافع برآید.

با گسترش جمعیت یگان حفاظت و آموزش‌های تخصصی و علمی آن‌ها دستگاه قضا می‌تواند در جهت مهار و کنترل بزه در حمایت از منابع طبیعی برآید. به این ترتیب، قوه قضاییه مکلف به تربیت نیروی ضابطین دادگستری متخصص شده‌است تا در راستای حمایت و حفاظت از منابع طبیعی و اراضی ملی گام بردارند و دوشادوش دستگاه قضا انجام‌وظیفه نمایند تا زمینه‌ی اجرای درست سیاست‌های جنایی قضایی مهیا شود. از این رو به‌موجب بند «ب» ماده 3 قانون اصلاح تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ریاست و نظارت و حتی تعلیم ضابطین دادگستری از حیث وظایف محوله با دادستان می‌باشد. از سوی دیگر سیاست جنایی ایران در مورد منابع طبیعی در جلب مشارکت مردمی و ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد با توجه به ماده 66 قانون آیین دادرسی کیفری با نوعی ناتوانی، ابهام، خلاء و شکاف جدی روبرو گردیده و در نتیجه زمینه‌ساز ظهور بحرانی گسترده در منابع طبیعی شده است. در نتیجه می‌توان گفت که سیاست جنایی قضایی ایران با هدایت جلب مشارکت مردمی و نهادینه کردن منافع منابع طبیعی و فرهنگ‌سازی در این راه احساس می‌شود.

پیشنهادها

پیشنهادها و راهکارهای لازم در زمینه‌ی پیشگیری اجتماعی و وضعی در جهت جهش تولید به‌اختصار بدین گونه است:

1. جلب مشارکت مردمی در جهت فرهنگ‌سازی و اشاعه‌ی رفتار درست در حوزه منابع طبیعی در جهت افزایش منابع طبیعی.
2. باید با تحلیل علل ارتکاب جرم توسط اشخاص در ایران، راهکارهای پیشگیری از زمینه وقوع جرم را شناسایی کرد.
3. استفاده از حصارکشی‌های مناسب و علامات و تابلوهای مخصوص در حوزه منابع طبیعی.
4. افزایش ضابطین متخصص و آموزش‌دیده تحت تعلیمات دادستان.
5. افزایش تعامل و همکاری لازم بین دستگاه‌های دولتی و قوه قضاییه در اجرای بند 5 اصل 156.
6. سرعت بخشی به تصویب قانون جامع حفظ منابع طبیعی برای کاهش تخریب و تصرف در منابع طبیعی و سوق دادن منابع طبیعی برای افزایش تولید محصولات کشاورزی و زراعی.
7. آموزش و فرهنگ‌سازی توسط معاونت اجتماعی پیشگیری از جرم و قضات متخصص از طریق رسانه‌های جمعی در جهت حفظ و حمایت از منابع طبیعی و زیست‌محیطی.

منابع

1. اسدی، الحسن بن یوسف بن علی المطهر [علامه حلی] (1419ق)، تذکره الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت الإحياء التراث، الطبعة الاولى، جلد 9، [17 جلدی].
2. اکبرآبادی، بهزاد (1396). ناکارآمدی سیاست جنایی ایران در برخورد با جرائم منابع طبیعی، تهران: انتشارات آوا، چاپ اول. [تعداد صفحات 144].
3. باختر، سید احمد (1387)، مجموعه کامل قوانین و مقررات موضوع اجرای ماده 56 قانون جنگل‌ها و مراتع، تهران: جنگل، جاودانه، چاپ دوم. [صفحات 336].

4. دهخدا، علی اکبر (1377)، لغت نامه، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ج 9.
5. شمس، احمد (1394)، نظام حقوقی اراضی ملی شده، تهران: انتشارات نشر دادگستر، چاپ پنجم. [تعداد صفحات 192].
6. عباسی، روح الله (1395)، بررسی ناکارآمدی سیاست جنایی ایران در صیانت از اراضی ملی، مقاله اولین همایش بین المللی و مخاطرات طبیعی و بحران های زیست محیطی ایران، راهکارها و چالش ها، دوره 1. [صفحات 1 تا 16].
7. علی بیگی، جواد (1397)، بررسی نظام حقوقی بهره برداری از روستایی و عشایری از منابع طبیعی در ایران، فصلنامه ی انسان و محیط زیست، دوره 16، (شماره 1)، [صفحات 75-93].
8. عمید، حسن (1356)، فرهنگ فارسی عمید، ج اول، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
9. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
10. کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (1388 ق)، الأصول من الکافی، مع تعلیقات علی اکبر الغفاری نهض مشروعه الشیخ محمد الآخوندی الجزء الأول، الطبعة الثالثة: دار الکتب الاسلامیة مرتضی آخوندی، تهران-بازار سلطانی، جلد 1. [8 جلدی].
11. کاتوزیان، ناصر (1375)، قواعد عمومی قراردادها، تهران: نشر بهنشر، چاپ دوم، جلد دوم.
12. کوشکی، غلامحسین (1388)، چالش های نظام کیفری ایران در حوزه جرائم زیست محیطی، فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، دوره ی جدید سال ششم، شماره 17 و 18، بهار و تابستان. [صفحات 87-104].
13. گلدوست جویباری، رجب (1393)، نقش دادستان در پیشگیری از وقوع جرم، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره 66، دوره 17، شماره 2. [صفحات 211-223].
14. معین، محمد (1372)، فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، جلد 1، 3.
15. مقیمی، محمدرضا و باباری، عبدالرضا (1389)، بسترهای زمین خواری و روش های مقابله با آن، مجله کارآگاه، دوره دوم سال سوم، شماره 11، تابستان. [صفحات 109-128].
16. میرمحمد صادقی، حسین و رجبعلی، اسلام (1396). تحلیل جرم زمین خواری از منظر حقوق کیفری ایران، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتم و یکم، شماره نود و هفتم، بهار. [صفحات 53-77].
17. نجفی توانا، علی (1394)، جرم شناسی، تهران: نشر آموزش و سنجش، چاپ هجدهم [تعداد صفحات 273].
18. نیازپور، امیرحسین (1391)، تکالیف جرم شناسانه ی دستگاه قضایی در پرتو قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مجله حقوقی دادگستری، شماره 8، زمستان. [صفحات 194-222].
19. آراء وحدت رویه مستخرج از روزنامه رسمی کشور.
20. آیین نامه اجرایی اصلاح لایحه قانونی واگذاری و احیاء اراضی در جمهوری اسلامی ایران مصوب 1359/2/31 شورای انقلاب.
21. آیین نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان های غیردولتی مصوب 29 خرداد 1384 هیأت وزیران.
22. آیین نامه اجرایی قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب 1371/12/16.
23. آیین نامه اجرایی قانون ملی شدن جنگل ها مصوب 1342.
24. آیین نامه اجرایی ماده 2 قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب 1371.
25. تصویب نامه هیأت وزیران راجع به جنگل ها مصوب 1303.
26. قانون اصلاح تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب 1373.
27. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392.
28. قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران.

29. قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب 1346/5/25 و اصلاحات بعدازآن.
30. قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب 1371.
31. قانون ملی شدن جنگل‌ها مصوب 1341/10/27 مصوب هیأت وزیران.
32. لایحه قانونی جنگل‌ها و مراتع کشور مصوب 1338.
33. لایحه جامع منابع طبیعی و آبخیزداری کشور در دست تصویب.